



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۵۶) إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۵۷) وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (۵۸) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹) ﴿

قرار گرفتن عالمان در کنار فرشتگان دلیل بر فضل علم و عالم

بعد از بیان وظیفه مؤمنین نسبت به وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از نظر حضور در بیت شریف ایشان، وظیفه عبادی مؤمنان نسبت به آن حضرت را بیان فرمود. خداوند برای اهمیت یک مطلب گاهی نام مبارک خود را گاهی نام فرشته‌ها را در کنار مؤمنین ذکر می‌کند در اوایل سوره مبارکه «آل عمران» گذشت که شهادت به وحدانیت خدا را قرآن کریم با سه رکن ذکر کرد فرمود: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾<sup>۱</sup> این بیان نورانی امام سجاد (سلام الله علیه) که فرمود در فضل علم همین بس که خدا کار علما را کنار فرشته‌ها قرار داد<sup>۲</sup> ناظر به همین است فرمود عالمان الهی که موحدان اند و شهادت به وحدانیت حق می‌دهند شهادت آنها در کنار شهادت فرشته‌هاست و شهادت فرشته‌ها هم در کنار شهادت الهی است ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾ که آن جمله اول تمام شده، جمله دوم و سوم عطف شده.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۸.

۲. ر.ک: تفسیر الامام العسکری، ص ۶۲۵.

## تفاوت مقام انبیا سبب تفاوت سلام و صلوات الهی بر آنان

در جریان سلام بر انبیا قرآن کریم از ذات اقدس الهی نقل کرده که خداوند بر انبیا درود فرستاد درودها هم یکسان نیست اگر انبیا متفاوت اند ﴿لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾<sup>۱</sup> (يك) ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾<sup>۲</sup> (دو) درجات سلام فرستادن خدا بر انبیا (علیهم السلام) هم یکسان نیست در جریان موسی و هارون فرمود: ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾<sup>۳</sup> در جریان ابراهیم ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾<sup>۴</sup> و مانند آن اما در جریان حضرت نوح (سلام الله علیه) يك سلام بی سابقه برای آن حضرت نازل کرد فرمود: ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾<sup>۵</sup> تنها يك جا در قرآن سلام جهانی هست و آن هم مخصوص نوح (سلام الله علیه) است که نزدیک هزار سال صبر کرد ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾ این برای سلام، درباره صلوات هم نسبت به وجود مبارك پیامبر همین آیه محل بحث همین آیه ۵۶ سوره «احزاب» است که فرمود خدای سبحان فرشته‌ها را در حضور خود حاضر می‌کند با يك تسلیه جمعی بر روان مطهر حضرت صلوات می‌فرستند ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ﴾ این مجموعه، ﴿يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾.

## گستره جواز ذکر نام غیر خدا کنار نام خدا

بردن نام غیر خدا در کنار نام خدا مخالف ادب است مگر جایی که خود ذات اقدس الهی جهت اکرام و اجلال ذکر بکند گاهی به صورت فاعل، گاهی به صورت مفعول نام غیر خدا را در کنار نام خدا ذکر می‌کند در ابتدای سوره مبارکه «نساء» گذشت که ﴿اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾<sup>۶</sup> فرمود مردم! از خدا و از ارحام، تقوا را رعایت کنید یعنی رعایت ارحام، صله رحم رسیدگی به اوضاع ارحام به قدری مهم است که در کنار رعایت حکم خدا قرار گرفته ﴿اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ البته با فاصله شدن جمله ﴿تَسَاءَلُونَ بِهِ﴾ در اطاعت پیامبر

۱. سوره اسراء، آیه ۵۵.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۳.

۳. سوره صافات، آیه ۱۲۰.

۴. سوره صافات، آیه ۱۰۹.

۵. سوره صافات، آیه ۷۹.

۶. سوره نساء، آیه ۱.

فرمود: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾<sup>۱</sup> در زیارت نورانی «جامعه» می خوانیم «وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بطاعته»<sup>۲</sup> یعنی خدای سبحان اطاعت از شما را در کنار اطاعت خودش قرار داد فرمود: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾.

همسانی اجلال و تکریم و اهانت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه(علیهم السلام) با خداوند اینها عظمت این خاندان را می رساند مستحضرید که هر ما بالعرضی باید به ما بالذات برگردد آنجایی که خدای سبحان احترام پیامبر و اهل بیت(علیهم السلام) را احترام خود می داند اطاعت آنها را اطاعت خود می داند این بیگانه نیست بر اساس آن حدیث قرب نوافل که هم شیعه ها نقل کردند هم سنی ها نقل کردند هم مرحوم کلینی در جلد دوم کافی نقل کرد هم خدا غریق رحمت کند مرحوم مجلسی(رضوان الله علیه) در مرآة العقول نقل کرده که «كنت سمعه، بصره، لسانه و یده»<sup>۳</sup> و مانند آن خب اگر این ذوات قدسی به قرب نوافل بار یافتند از محب بودن به محبوب بودن هجرت کردند و محبوب خدا شدند پس در مقام فعل که فصل سوم است نه فصل اول و دوم که منطقه ممنوعه است در فصل سوم، اینها مجاری ادراکی و تحریکی خدای سبحان اند اگر این شد احترام به اینها احترام به ذات اقدس الهی است در فصل سوم، اهانت به اینها - معاذ الله - اهانت به ذات اقدس الهی است در فصل سوم لذا در این بخش از آیات سوره مبارکه «احزاب» هم اجلال و تکریم اینها را در کنار اجلال و تکریم الهی ذکر می کند هم اهانت این ذوات قدسی را - معاذ الله - در کنار اهانت ذات اقدس الهی ذکر می کند.

ظهور آیه ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ بر اطاعت و انقیاد از رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) مطلب بعدی آن است که سلام برای انبیا آمده اما در این قسمت ها فرمود «ان الله و ملائکته یسلمون» چون این تسلیمی که خدا به ما امر کرد فرمود: ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ظهور در این دارد که شما تابع باشید نه سلام بفرستید اگر به معنای فرستادن سلام بود آن طوری که جناب فخر رازی استفاده کرده و فتوا به وجوب تسلیم داده اگر منظور از

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳. رک: الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲؛ رک: مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۳۸۹ و ۳۹۰؛ رک: صحیح (البخاری)، ج ۷، ص ۱۹۰.

﴿سَلِّمُوا﴾ یعنی بگویند «السلام عليك» که ایشان استفاده کرده<sup>۱</sup> به این مناسبت خب جای سؤال است که چرا درباره اینها خدا تسلیم را روا نداشت نفمود سلام بر اینها اما اگر ﴿سَلِّمُوا تَسْلِماً﴾ به معنی انتقاد باشد اتقیاد باشد اطاعت باشد نظیر آنچه در همین سوره مبارکه «احزاب» آیه ۳۶ گذشت ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ شما در برابر حکم پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) از خود اختیار نشان ندهید تسلیم باشید اگر به این معنا باشد خدای سبحان درباره اینها «سَلِّم» و مانند آن را به کار نبرده ولی اگر به معنای درود فرستادن باشد خب بله وقتی فرمود سلام بر ابراهیم، سلام بر موسی و سلام بر هارون در ادامه فرمود: ﴿كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ خب بر مؤمنین و محسنین هم خدا سلام می فرستد اگر به معنای درود و تحیت باشد یقیناً شامل حال اهل بیت خواهد بود اما این ﴿سَلِّمُوا تَسْلِماً﴾ شاید ناظر به همان مقام فعل باشد لذا درباره ما فتوا به وجوب آن داده نشده.

### سلام و صلوات ما بر انبیا و پیامبر و ائمه باعث تقرّب ما به این ذوات

پرسش: ... پاسخ: برای آنها یقیناً نیست اما برای خود ما تقرّب است این دو مطلب باید از هم جدا باشد که قبلاً هم گذشت تقرّب ما به همین است که عرض ادب بکنیم و از طرفی اینها هم در قوس نزول گرچه هر کمالی را که باید داشته باشند دارند که «اول ما خلق الله نور نبینا»<sup>۲</sup> است که امام (سلام الله علیه) فرمود و مانند آن ولی در قوس صعود اینها مکلف اند یکی پس از دیگری احکام را انجام می دهند به مرحله بالاتر می رسند ﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْماً﴾<sup>۳</sup> می گویند و مانند آن اما کار ما واسطه باشد و خود ما رابط باشیم واسطه باشیم فیضی را از خدا بگیریم به اهل بیت برسانیم این چنین نیست این عرض ادب های ما تقرّب ماست به ذوات قدسی آنها پس دو مطلب است یکی اینکه آنها در قوس صعود یکی پس از دیگری کمالات را طی می کنند که فرمود: ﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْماً﴾ یا فرمود: ﴿وَمِنَ الْآلِ

۱. التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۸۲.

۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۴۲؛ رک: بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۴.

۳. سوره طه، آیه ۱۱۴.

فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مُمَكَّدًا<sup>۱</sup> و مانند آن آنها با فعل خودشان یکی پس از دیگری کمالات را طی می کنند اما ما چیزی داشته باشیم که به اینها بدهیم این طور نیست ما رابط و واسطه باشیم بین خدا و اینها چیزی را از خدا بگیریم به اینها بدهیم این طور نیست ما می گوئیم «قَرَّب و سیلته» درست است می گوئیم «و ارفع درجته»<sup>۲</sup> این همان مثالی که آن روز بیان شده اگر باغی باشد اشجار مُثمره ای باشد، باغبانی باشد که این باغبان را خود صاحب باغ دارد تأمین می کند تمام محصولات این باغ هم برای آن صاحب باغ است اگر روز عید این باغبان يك سبد میوه یا دسته گلی از باغ صاحب باغ بچیند و به پیشگاه او تقدیم کند خود این باغبان متقرب می شود نه اینکه بر ملك آن صاحب ملك چیزی افزوده بشود چون از باغ او به او داده شد همه عبادت ها و اطاعت های ما میوه هایی است که ما از باغ اینها گرفتیم اگر این باغ نبود این بوستان نبود این مزرع نبود این معارف هم نبود این عمل صالح هم نبود بنابراین ما ولو می گوئیم «قَرَّب و سیلته» می گوئیم «و ارفع درجته» اما این تقرُّبی است برای ما به حضور این ذوات قدسی که اینها در اثر قرب نوافل مجرای فیض ذات اقدس الهی اند.

### پیامبر و ائمه (علیهم السلام) مجرای فیض رازقیّت

می بینید خدا وقتی اغنا را به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت می دهد اینها می شوند مجرای رزق، فرمود: ﴿إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾<sup>۳</sup> خب این کم حرف نیست غنا و ثروت را چه کسی می دهد نه تنها مسائل غنای مالی را، غنای علمی را چه کسی می دهد غنای کمالات معنوی را چه کسی می دهد این چنین نیست که - معاذ الله - اینها يك افراد عادی باشند یا - معاذ الله - در برابر ذات اقدس الهی دستگاهی داشته باشند اینها مجرای فیض خالقیت اند برابر قرب نوافل اینها می شوند مظهر «هو الشافی»<sup>۴</sup> می شود مظهر «هو الرازق» می شود مظهر «هو المغنی» خب وقتی

۱. سوره اسراء، آیه ۷۹.

۲. الصحیفة السجادية، دعای ۴۲.

۳. سوره توبه، آیه ۷۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۲۷.

قرآن تصریح می‌کند خدا می‌فرماید اینها شما را بی‌نیاز می‌کنند شما چه حرفی دارید ﴿إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾<sup>۱</sup> اینها مسئله دعا را می‌پذیرند می‌گویند.

دلیل بطلان قول وهابیت در توسل به پیامبر و ائمه (علیهم السلام)

همین آیه معروفی که در حرم نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) هم خوانده می‌شد که اگر ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۲</sup> اینها دعا را قبول دارند اما می‌گویند اینها در عالم کارهای نیستند خب اگر - معاذ الله - کارهای نیستند خدا چگونه اغنا را به اینها اسناد داد هر کسی به جایی رسید چیزی نصیبش شد چه غنای مالی چه غنای علمی چه غنای معرفتی چه غنای کمالات دیگر به وسیله این خاندان است خب الآن ما شب و روز مرتب کارهایمان را مطابق شمس و قمر تنظیم می‌کنیم مگر - معاذ الله - ما شمس پرستیم ما بسیاری از کار را با آفتاب تنظیم می‌کنیم ما از آفتاب نور می‌گیریم حرارت می‌گیریم کشاورزی ما، دامداری ما، نیروی انرژی ما خب آفتاب چه کاره است - معاذ الله - ما معتقدیم که آفتاب سِمَتی دارد یا خدا آن را خلق کرد و از نورش داریم استفاده می‌کنیم.

برکات صلوات بر پیغمبر و آل او در روایات نورانی اهل بیت (علیهم السلام)

پرسش: ... پاسخ: چون خود قرآن فرمود ما پیامبر را فرستادیم که او مفسر اصلی باشد ﴿لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ﴾ این تقریباً ده صفحه است در تفسیر شریف کنزالدقائق حتماً این ده صفحه را ببینید<sup>۲</sup> این ده صفحه نوری است شرح صدری به آدم عطا می‌کند صفایی عطا می‌کند در این ده صفحه روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است نشان می‌دهد خدای سبحان صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر می‌فرستد برکات فراوانی که بر صلوات بار است ذکر می‌کنند اینها را قرآن ناطق گفت اینها را که دیگری نگفت، فرمود ما این قرآن را فرستادیم تفسیرش را هم به

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲. تفسیر کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۴۲۹ - ۴۳۹.

تو گفتیم تو به مردم بگو ﴿لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾<sup>۱</sup> خب خدا هم پیغمبر و اهل بیت را مبین قرآن، مفسر قرآن، شارح قرآن، مدرّس قرآن قرار داد حداقل این ده صفحه را که ببینید این فضای جان را نور می‌دهد که برکات صلوات چقدر است فرشته‌ها در شب و روز جمعه چه سیمتی دارند وجود مبارك امام سجاد هر کاری که می‌کند دعایی که می‌کند این است وجود مبارك حضرت امیر فرمود اگر می‌خواهید دعایتان مستجاب بشود صلوات بفرستید شما دو چیز را از خدا می‌خواهید یکی تسلیه می‌کنید از خدا مسئلت می‌کنید شما می‌خواهید، خدا اجابت می‌کند اگر خدا صلوات شما را اجابت کرد خواسته دیگر شما را هم اجابت می‌کند<sup>۲</sup> غرض این است که بر اینها صلوات فرستاده خب اگر بر اینها صلوات فرستاده سلام هم که در آیات دیگر هست وقتی فرمود: ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ<sup>۳</sup> خب یقیناً بر اهل بیت سلام می‌فرستد پس سلام به معنای تحیت و اینهاست اما این ﴿سَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ این ظاهراً معنای «السلام علیکم» گفتن شاید نباشد یعنی تابع آنها باشید به همین مناسبت فرمود خدا «يُسَلِّمُوا» یا «سَلِّمُ الله» و اینها، سلام الله گفتن غیر از «سَلِّمُ له» است «سَلِّمُ له» یعنی تسلیم او شده. ما تسلیه را واجب می‌دانیم در تشهد ما هست اما سلامی که واجب باشد نداریم سلام مستحب است برخی از فقهای ما سلام را هم واجب دانستند اما معروف بین فقهای ما عدم وجوب «السلام علیکَ أَیُّهَا النبی» است سلام را واجب نکردند این ﴿سَلِّمُوا﴾ که امر است مفید وجوب است این درباره انقیاد در برابر فرمان آنهاست و اگر ﴿سَلِّمُوا﴾ هم به معنای «السلام علیکم» گفتن باشد این را حمل بر استحباب کردند.

### روایات، تعیین‌کننده تعداد صلوات در نماز و غیر آن

پرسش: ... پاسخ: در صلوات این امر هست اما حالا يك بار یا چند بار در نماز یا غیر نماز این را باید روایات مشخص بکند که کرده گفتند عندالتسمیت عاطس، شروع به دعا، شنیدن نام مبارك پیامبر اینها دستور رسیده که

۱. سوره نحل، آیه ۴۴.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳. سوره صافات، آیات ۱۲۰ و ۱۲۱.

صلوات بفرستید غرض این است که اصل امر وجوبش در قرآن کریم هست چون خود امر، مفید وعده یا تکرار نیست باید به وسیله روایات مشخص بشود این ﴿سَلِّمُوا﴾ اگر به معنای تسلیم بودن است که خب در همه امور واجب است اگر به معنای «السلام علیکم» یا «السلام علیک ایها النبی» باشد این برابر معروف بین اصحاب ما مستحب است واجب نیست برخی از فقها فتوا به وجوب دادند لذا بزرگان دیگر هم احتیاط کردند ولی فخر رازی «السلام علیک» را واجب می داند به هر تقدیر ما واسطه باشیم که فیضی را از خدا بگیریم به آنها بدهیم این چنین نیست ولو می گوئیم «و ارفع درجته» ولو می گوئیم «قرب و سیلته» اینها عرض ادبی است برای خود ما، خود ما تکامل پیدا می کنیم و مانند آن و خدای سبحان هم بر اینها صلوات می فرستد اینها درجاتشان هم متعالی می شود. پرسش: ... پاسخ: نه، در کلیات بعضی از دعاها تعجیل در فرج خوانده شده دستور هم داده شده انتظار فرج، تعجیل در فرج در این قسمت ها نشده اگر روایت معتبری باشد خب انسان آن را اضافه می کند و کلیاتش به صورت کلی که آمده.

پرسش: استاد! در نماز این «و عجل فرجه» اشکال ایجاد می کند یا نه؟

پاسخ: بله آن اگر به قصد ورود بگوید نماز اشکال دارد اگر ورود نباشد که خب نه.

### معیار قبولی نماز در دنیا

پرسش: ... پاسخ: خب مثل نماز، نماز درجاتی دارد بر درجه نازلش یک فضیلت بار است درجه وسطایش یک فضیلت، درجه عالیهاش یک فضیلت، حقیقت نماز آن است که «قربان کل تقی»<sup>۱</sup> است ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾<sup>۲</sup> است اگر کسی نماز خوانده نماز ظهرین را خوانده می خواهد ببیند نمازش قبول شد یا نشد البته این در قیامت معلوم می شود ولی در دنیا هم معیاری دارد تا غروب اگر موفق شد خودش را حفظ بکند و هیچ گناهی نکند این خوشحال باشد که نماز ظهرینش قبول شده چون نماز آن است که ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ اگر گفتند

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.



الصلاة ما هي؟ مثل اینکه بگویند الماء ما هو؟ آب چیست؟ آب آن است که رفع عطش بکند «الصلاة ما هي؟» گفتند ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ خب اگر کسی نماز خوانده بعد از اینکه از مسجد یا محلّ نماز در آمده مبتلا به گناهی شد این معلوم می‌شود نماز نخوانده، صحیح است یعنی قضا و اعاده ندارد ولی مقبول نشده قبول يك حکم فقهی نیست يك حکم کلامی است صحّت يك حکم فقهی است این نماز، قضا ندارد اعاده ندارد چون برابر ظاهر خوانده شده اما چون ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ﴾ نیست قبول نشده آدم می‌تواند خودش تشخیص بدهد درجات صلات فرق می‌کند درجات تصلیه هم فرق می‌کند درجات تسلیم هم فرق می‌کند بنابراین این تعبیرها یکسان نیست گاهی مفرد است گاهی جمع است گاهی با هم است گاهی بی‌هم است و ما حق نداریم نام غیر خدا را در کنار نام خدا ببریم مگر اینکه روایت معتبری باشد یا آیه‌ای باشد و مانند آن لذا در مواردی نهی شده در مواردی هم نام افراد دیگر در کنار نام خدا برده شده این درباره تصلیه و درباره تسلیم.

امر الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) بر تصلیه مؤمنان و تأثیر آن

درباره تصلیه ذات اقدس الهی خودش فرمود توی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) وقتی که زکات را از مؤدیان زکات گرفتی بر آنها صلوات بفرست ﴿حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلُّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾<sup>۱</sup> اینکه فرمود: ﴿إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾ یعنی وقتی کسی حق واجب خودش را داد وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) بر او صلوات می‌فرستد خب این صلوات پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) یقیناً مؤثر است اثر دارد لطف الهی را به او می‌رساند صلوات خدا به يك معناست صلوات فرشته‌ها به يك معنای دیگر، صلوات پیغمبر به معنی دیگر، صلوات ما هم به معنی دیگر، بنا بر تحقیق که استعمال لفظ در اکثر از معنا جایز است یا عموم المجاز قائل باشیم که این چهار قسم ممکن است در زیر مجموعه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ﴾ جمع بشوند اگر کسی اشکال کرد در استعمال لفظ در اکثر از معنا با حرف عطف که به منزله تکرار معطوف است این مشکل حل

می شود اگر مثلاً گفتند: «اغتسل للجمعة و الجنابة» چون این واو که در وسط آمد باعث می شود که این کلمه «اغتسل» تکرار بشود «اغتسل للجمعة اغتسل للجنابة» لذا اگر یکی واجب بود دیگری مستحب، معنا فرق کرد حکم فرق کرد عیب ندارد چون با عطف بیان شده «اغتسل للجمعة و الجنابة» این واو این اثر را دارد این ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ﴾ یا ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ﴾<sup>۱</sup> این واو به منزله تکرار آن فعل است تکرار آن اسم است و مانند آن لذا صلوات خدا به معنای رحمت است صلوات فرشته ها به معنی دعاست صلوات پیغمبر هم می تواند قسمی به معنی رحمت، قسمی به معنی دعا باشد به هر تقدیر در سوره مبارکه «توبه» فرمود: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ﴾ این يك صلوات متقابل است که بندگان نسبت به وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات می فرستند و در روایات هم آمده است که هرگز شما صلوات بِّترا نفرستید نه بِّترا، بِّترا مؤنث ابتر است ابتر یعنی بی نتیجه یعنی منقطع الآخر، بِّترا که مؤنث آن است آن هم منقطع الآخر اگر کسی بگوید «اللهم صلّ علی محمد» و آتش را نگوید این صلوات بِّتراست یعنی بی نتیجه است یعنی منقطع الآخر است لذا در روایات آمده است که صلوات بِّترا نفرستید وقتی بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات می فرستید بر اهل بیتش هم بفرستید<sup>۲</sup> منتها روایات در اینجا چند طایفه است یکی کلمه «علی» دارد یکی ندارد، یکی «صلّ علی محمد و علی آل محمد»<sup>۳</sup> دیگری «و علی» هم ندارد مثل اینکه در تشهد می گوئیم «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» دیگر «علی» ندارد این تقرّب کامل را می رساند.

۱. سوره احزاب، آیه ۴۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۵.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۲۸.

شرایط بهره‌مندی از صلوات پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

به هر تقدیر صلوات پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به مؤدیان زکات است و از آن جهت که نماز، عمود دین است<sup>۱</sup> و بالاتر از نماز، مسئله اصل اعتقاد به توحید است اگر کسی معتقد به توحید بود معتقد به نبوت بود معتقد به ولایت و امامت بود معتقد به معاد بود معتقد به اصول کلی بود این هم می‌تواند مشمول صلوات پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) باشد این چنین نیست که این اختصاص داشته باشد به مسئله زکات که بفرماید: ﴿حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ﴾ حالا اگر کسی مجاهد در راه خدا بود او هم می‌تواند مشمول صلوات باشد ذکر آنجا به صورت تمثیل است نه به صورت تعیین، اینها يك صلوات و لطف متقابلی است بین امت و امام امت، امام در برابر پیغمبر نه، امامی که شامل خود پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌شود نظیر آنکه درباره حضرت ابراهیم خدای سبحان فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾<sup>۲</sup>.

پرسش: ... پاسخ: چرا نیست، ما مأموریم، ما وجوهات هم می‌دهیم این کار را می‌کنند وجوهات هم می‌گیریم همین کار را می‌کنند.

پرسش: ... پاسخ: بله، کسی که جانشین پیغمبر است و همان وجوهات را می‌گیرد همان حکم را دارد چطور در گرفتن آن وجوهات جانشین پیغمبر است در تصلیه، جانشین پیغمبر نیست ما که عملاً این کار را می‌کنیم این درباره پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) است.

حکم ایدای مؤمن لإیمانه مساوی با ایدای پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود اگر مؤمنین به همراه پیامبر در این امور شریک‌اند ایدای آنها هم مثل ایدای پیغمبر است يك وقت است کسی مؤمن را در اثر يك اختلاف مالی، اختلاف ملکی اهانتی می‌کند یا مثلاً - خدای ناکرده - بالاتر از اهانت مثلاً قتلی، آن يك حکم خاص دارد معصیت کبیره است اما اگر مؤمن را لإیمانه کُشت، می‌شود ﴿مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا﴾

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۹، ۷، ص ۵۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

**فَجَزَاوُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا**<sup>۱</sup> که در بحث سوره مبارکه «نساء» گذشت خلود برای کفر است نه برای معصیت‌های عادی ولی درباره مؤمن اگر کسی مؤمن را لایمانه بکشد نه برای اختلاف ملکی خب این می‌شود کفر، این کیفرش خلود در جهنم است اگر کسی مؤمن را لایمانه اهانت بکند مثل این است که پیامبر را اهانت کرده چون در حقیقت به دین اهانت کرده اما اگر نه، يك اختلاف ملکی دارد اختلاف مالی دارد اهانتی کرده آن دیگر مشمول این آیه نیست اینکه فرمود اگر کسی مؤمنی را آزار بکند یعنی لایمانه اما اگر نه، این اختلاف مالی دارد اختلاف دارد معصیتی کرده اما آن معصیت طوری باشد که در حدّ ایدای خدا باشد این مئونه لازم دارد این تعلیق حکم بر وصف هم مشعر به علیّت است فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ حکمشان این است ﴿لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ لعن یعنی دور از رحمت، خدا اینها را از رحمت الهی دور می‌کند رحمت هم در عالم فقط دست خداست غیر خدا که راحمی در کار نیست «هل یرحم المخلوق الا الخالق... هل یرحم الفقیر الا الغنی»<sup>۲</sup> این است غیر خدا هم که توان رحمت ندارد پس این نیاز دارد و هیچ راحمی هم در عالم برای او نیست ﴿وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ این عذاب مهین هم قبلاً گذشت این عذاب روحی است غیر از آن عذاب جسمی و بدنی است که در سوره «نساء» بیان شده ﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ﴾<sup>۳</sup> آن عذاب جسمی و بدنی است که در سوره «نساء» مشخص شده این عذاب روحی است که او را رسوا می‌کند اهانت می‌کند تحقیر می‌کند این تحقیر شدن، مورد اهانت قرار گرفتن، منفور جامعه شدن اینها عذاب روحی است این شخص که مؤمن را آزار کرده گرفتار عذاب روحی می‌شود.

### حرفِ درست زدن و درست حرف زدن، وظیفه همه در انتخابات

پرسش:... پاسخ: خب همه ما باید مواظب باشیم هر چه باشد چه فصل انتخابات چه غیر فصل انتخابات چون گفتند زبان «قلیل الجرم» است و «کثیر الجرم» ما دو گونه می‌توانیم زندگی کنیم ما بالأخره این کشور را باید با هم

۱. سوره نساء، آیه ۹۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۱۰.

۳. سوره نساء، آیه ۵۶.

بسازیم خطر الآن زیر گوش ماست در سوریه، این خطر در گوش ماست بحرین. خب این عالم بزرگوار را شما می بینید يك شخصیت مهمی است ریختند در خانه اش این آل خلیفه باید از عاقبت تلخ کارشان هم باخبر باشند این علما را این بزرگان را این مؤمنین را این طور الآن دارند شکنجه می کنند ما - خدای ناکرده - احترام به یکدیگر را حفظ نکنیم که درست نیست ما حرفی داریم می توانیم عالمانه بزنیم ﴿قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾<sup>۱</sup> فرمود مؤمنین درست حرف بزنند حرف درست بزنند خب اشکالی هست آدم عالمانه می تواند بگوید چه داعی داریم یکدیگر را برنجانیم این سفارش خداست فرمود محترمانه با یکدیگر سخن بگویید خطر را شما می بینید زیر گوش شماست ﴿قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ این آل خلیفه جواب خدا را چه باید بدهند ریخت در خانه آن عالم بزرگوار آیت الله شیخ قاسم خب اینها جواب خدا را چه باید بدهند ما هم قبلاً در ایران به امثال اینها مبتلا بودیم به ما فرمود: ﴿قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ اگر واقعاً اشکالی است آدم می تواند محترمانه بگوید اگر استدلالی دارد آدم می تواند محترمانه بگوید که امیدواریم - ان شاء الله - به برکت روح مطهر امام راحل و خون های پاك شهدا به بهترین وجه پیش برود.

### بیان سیدالشهداء در محال بودن رسیدن به مقصد به وسیله گناه

فرمود این برای خدا و پیامبر اما ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ چرا آدم مؤمن را آزار بکند يك بیان نورانی حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) دارد - واقعاً «کلامهم نور» - فرمود ممکن نیست کسی از راه گناه به مقصد برسد هدف هرگز وسیله را توجیه نمی کند این بیان بسیار نورانی وجود مبارک سیدالشهداء (سلام الله علیه) است فرمود: «مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعُ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ»<sup>۲</sup> اگر کسی بخواهد از راه خلاف، گناه، تهمت، تخریب به مقصد برسد زودتر از دیگران به چاه می افتد گناه، وسیله نیست «مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعُ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ» این هرگز به مقصد نمی رسد و زودتر از دیگران به خطر

۱. سوره اسراء، آیه ۵۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۳.

می‌افتد ما قبول کردیم بیانات نورانی سیدالشهداء (سلام الله علیه) چه بیانی جامع‌تر و نافع‌تر از این فرمود: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا﴾ يك وقت است کسی گناه کرده خب او را تعزیر می‌کنند حد می‌زنند این دیگر مشکلی ندارد اما اگر کسی کاری نکرده یا ثابت نشده آدم همین‌طور بگوید بالأخره حسابی دارد کتابی دارد ﴿بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَاناً وَإِثْماً مُّبِيناً﴾ يك بار سنگینی است «احتمل» یعنی حمل کرد، بار سنگینی روی دوشش است بهتان يك بار سنگینی است عملی است که کسی نکرده وقتی انسان این عمل را به او اسناد بدهد او می‌شود مبهوت، می‌گوید من که چنین حرفی نزدم چنین کاری نکردم عملی که آدم را مبهوت می‌کند وقتی نکرده، به اسناد چنین عملی به او می‌گویند بهتان، گناه روشنی هم که است این هم بار است این بار روی دوش او قرار می‌گیرد باربری هم که نیست.

#### جمع‌بندی مباحث

بنابراین هم تسلیه بر مؤمنین را ذکر فرمود که فرمود: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾ هم تسلیه مؤمنین بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کنار تسلیه ملائکه ذکر کرد هم ایدای خدا و پیامبر را حرام شمرد هم ایدای برادران و خواهران مؤمن را، این برادران و خواهران مؤمن در همه این مراحل ملاحظه فرمودید شرکت داشتند هم در تسلیه بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم در دریافت تسلیه از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم حرمت ایدایی که نسبت به پیامبر هست نسبت به اینها هم هست بنابراین اینها محشور با پیامبرند.

«و الحمد لله رب العالمین»